

ماده ۶

بند ۱۶ - طرفین تأیید میکنند که سیستم فتودالی مالکیت ارضی در کلیه مناطق روستائی چین باید بتدریج تغییر یابد . بطور کلی پس از رسیدن ارتش آزادیبخش توده‌ای در مرحله اول به تقلیل بهره‌مالکانه و ربح و سپس به تقسیم زمین اقدام خواهد شد .

بند ۱۷ - در مناطقی که هنوز ارتش آزادیبخش توده‌ای نرسیده و هنوز اداره امور آنها را در دست نگرفته‌است ، دولتهای محلی تابع دولت ملی نانکن موظفند که از سازمانها و از فعالیتهای توده‌های دهقان حمایت کنند . دولتهای مذکور نباید آنها را تحت فشار قرار دهند و یا بآنها آسیب برسانند .

ماده ۷

بند ۱۸ - طرفین موافقت میکنند که کلیه قراردادها و موافقتنامه‌هایی که در دوران سلطه دولت ملی نانکن با دول خارجی انعقاد یافته و سایر اسناد و بایگانی‌های دیپلماتیک ، خواه علنی و خواه سری باید بوسیله دولت ملی نانکن به دولت دموکراتیک ائتلافی تسلیم شود و از طرف دولت اخیر مورد رسیدگی قرار گیرد . کلیه قراردادها و موافقتنامه‌هایی که متضمن لطمه‌ای بر خلق چین و حکومت او است و بویژه آنهایی که ماهیتاً حقوق حکومت را از وی سلب مینماید ، برحسب موارد مختلف ، یا ملغی میشود یا مورد تجدید نظر قرار میگیرد و یا جای خود را به قراردادها و موافقتنامه‌های تازه میدهد .

ماده ۸

بند ۱۹ - طرفین موافقت میکنند که پس از امضاء موافقتنامه صلح داخلی و پیش از تشکیل دولت دموکراتیک ائتلافی ، دولت ملی نانکن و همچنین شوراها ، وزارتخانه‌ها ، کمیسیون‌ها و سایر ارگانهای وی باید همچنان موقتاً به ایفاء وظایف خود مشغول باشند . ولی موظفند که در اداره امور با کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین مشورت کنند و به ارتش آزادیبخش توده‌ای در تحویل گرفتن کارها و نقل و انتقال در مناطق

مختلف کمک برسانند . پس از آنکه دولت دموکراتیک ائتلافی تشکیل شد دولت ملی نانکن بیدرنگ اختیارات خویش را بوی خواهد سپرد و انحلال خود را اعلام خواهد داشت .

بند ۲۰ - در موقعیکه دولت ملی نانکن و دولت‌های محلی مختلف و همچنین ارگانهای تابع آنها اختیارات خویش را تحویل میدهند ، ارتش آزادیبخش توده‌ای ، دولت‌های توده‌ای محلی و دولت دموکراتیک ائتلافی چین باید مراقب باشند که از میان کارمندان سابق کلیه کسانی را که میهن‌پرستاند و کلیه اشخاص مفید را در خدمت نگاه داشته و آموزش دموکراتیک بدهند و کارهای مناسب بآنها بسپارند بطوری که بیکار و بیخانمان نمانند .

بند ۲۱ - پیش از آنکه ارتش آزادیبخش توده‌ای برسد و اداره امور را در دست گیرد ، دولت ملی نانکن و مقامات دولتی تابع آن در هر استان ، هر شهر و هر شهرستان وظیفه دارند که در محیط خویش پاسدار امنیت عمومی باشند ، کلیه ارگانهای دولتی و بنگاههای دولتی (از آنجمله بانک‌ها ، کارخانه‌ها ، معادن ، راه آهن ، دواثرپست و تلگراف و تلفن ، هواپیماها ، کشتی‌ها ، شرکت‌ها ، انبارها و وسایل ارتباطات) و سایر اموال منقول و غیر منقول متعلق به دولت را حفظ و حمایت کنند . از بین بردن ، خسارت وارد آوردن ، انتقال دادن ، پنهان کردن و فروختن بهیچوجه مجاز نخواهد بود . کتابها ، بایگانی‌ها ، عتیقه‌ها ، اشیاء قیمتی ، طلا و نقره و سایر مسکوکات ، ارز خارجی و کلیه اموال و اشیائی که هم اکنون منتقل شده و یا مخفی گردیده‌اند باید بیدرنگ در همانجا که هست را کد بمانند تا آنکه بمقامات صلاحیت‌دار تحویل داده شوند . دولت ملی نانکن مسئولیت دارد که آن اشیائی را که بخارج فرستاده شده و یا قبلاً در خارج بوده‌اند ، باز ستاند و تا موقع تحویل نگهدارد .

بند ۲۲ - در مناطقی که ارتش آزادیبخش توده‌ای رسیده و اداره امور آنجا را بدست گرفته‌است ، کمیسیون‌های کنترل نظامی محلی ، دولت‌های توده‌ای محلی و یا ارگانهایی که از طرف دولت دموکراتیک ائتلافی معین شده‌اند ، باید کلیه اختیارات و همچنین کلیه اموال و دارائی دولت را بتصرف در آوردند .

بند ۲۳ - پس از آنکه موافقتنامه صلح داخلی بوسیله هیئت نمایندگی دولت ملی نانکن امضاء شد و بوسیله آن دولت بموقع اجرا در آمد ، هیئت نمایندگی حزب کمونیست چین برعهده میگیرد که به کمیته تدارک کنفرانس مشورتی سیاسی جدید پیشنهاد نماید که دولت ملی نانکن مجاز باشد عده‌ای از میهن‌پرستان را بعنوان نماینده

به کنفرانس مذکور اعزام دارد . در آنصورت نمایندگان دولت ملی نانکن خواهند توانست پس از دریافت موافقت کمیته تدارك کنفرانس مشورتی سیاسی جدید در آن کنفرانس شرکت جویند .

بند ۲۴ - پس از آنکه دولت ملی نانکن نمایندگان خود را به کنفرانس مشورتی سیاسی جدید اعزام داشت ، حزب کمونیست چین برعهده میگیرد به کنفرانس پیشنهاد نماید که دولت دموکراتیک ائتلافی عده‌ای از میهن‌پرستان دولت ملی نانکن را نیز بخاطر مراعات همکاری در ترکیب خود وارد کند .

هیئت‌های نمایندگی طرفین اعلام میدارند : ما بخاطر رهائی خلق چین و استقلال و آزادی ملت چین ، بخاطر آنکه جنگ در آینده نزدیک متوقف گردد و صلح برقرار شود تا شرایط مساعد برای پرداختن بکارهای بزرگ تولیدی و ساختمان در سراسر کشور فراهم آید و به کشور ما و به خلق ما امکان دهد که با گام‌های مطمئن به شکوفای اقتصادی ، نیرومندی و آسایش برسند ، مسئولیت امضاء این موافقتنامه را برعهده میگیریم . امیدواریم که همه خلق در مبارزه برای اجرای کامل این موافقتنامه چون تنی واحد با یکدیگر متحد شوند . موافقتنامه حاضر بلافاصله پس از امضاء بموقع اجرا در خواهد آمد .

اعلان ارتش آزادیبخش توده‌ای چین

(۲۵ آوریل ۱۹۴۹)

مرتجعین گومیندان شرایط صلح را رد کرده و روی موضع ادامه جنگ جنایتکارانه بر ضد ملت و خلق لجاج میورزند . قاطبه مردم امیدوارند که ارتش آزادیبخش توده‌ای ، مرتجعین گومیندان را بسرعت براندازد . ما بارتش آزادیبخش توده‌ای فرمان داده‌ایم که متهورانه به پیش رود ، کلیه سپاهیان ارتجاعی گومیندان را که جرأت مقاومت بکنند نابود سازد ، کلیه جنایتکاران اصلاح ناپذیر جنگ را دستگیر نماید ، خلق سراسر کشور را آزاد کند ، بدفاع از تمامیت ارضی ، حاکمیت و استقلال چین پردازد و بوحدت حقیقی کشور که همه خلق مشتاقانه خواستار آنست ، تحقق بخشد . ما امید فراوان داریم که بهر جا که ارتش آزادیبخش توده‌ای روی آورد ، از پشتیبانی کلیه قشرهای مردم برخوردار شود . ما در اینجا قرارنامه‌ای را در هشت ماده اعلام میداریم و حاضریم آنرا بمعیت عموم خلق مراعات کنیم .

۱ - حراست از جان و اموال قاطبه مردم . امیدواریم که کلیه قشرهای مختلف مردم ، صرفنظر از تعلق طبقاتی ، معتقدات یا شاغل خویش مراعات نظم عمومی را محترم بشمارند و با ارتش آزادیبخش توده‌ای

همکاری کنند . ارتش آزادیبخش توده‌ای نیز همین روش را با کلیه قشرهای مختلف مردم در پیش خواهد گرفت . ضد انقلابیون و یا سایر خرابکارانی که با استفاده از فرصت به ایجاد اغتشاشات ، به غارتگری و یا به خرابکاری دست بزنند ، شدیداً کیفر خواهند دید .

۲ - حراست از بنگاههای صنعتی ، تجاری ، کشاورزی و دامداری که متعلق به بورژوازی ملی است . از همه کارخانه‌ها ، مغازه‌ها ، بانک‌ها ، انبارها ، کشتی‌ها ، لنگرگاه‌ها ، فرسهای کشاورزی ، فرسهای دامداری و غیره که در تملك خصوصي هستند ، بدون استثناء در برابر هرگونه تعدی محافظت بعمل خواهد آمد . ما امیدواریم که کارگران و کارمندان کلیه شاغل بکار تولیدی کماکان ادامه دهند و کلیه مغازه‌ها باز بمانند .

۳ - مصادره سرمایه بوروکراتیک . کارخانه‌ها ، مغازه‌ها ، بانکها ، انبارها ، کشتی‌ها ، لنگرگاهها ، راه آهنها ، دفاتر پست و تلگراف و تلفن ، بنگاههای برق و آب ، فرسهای کشاورزی ، فرسهای دامداری و غیره که بوسیله حکومت ارتجاعی گوسپندان و بوروکرات‌های بزرگ اداره و مورد بهره‌برداری قرار میگیرند ، بتصرف دولت توده‌ای در خواهند آمد . سرمایه‌داران ملی که در رشته‌های صنعت ، تجارت ، کشاورزی و دامداری اشتغال دارند ، چنانچه در این بنگاهها سهامی داشته باشند ، حق مالکیت آنها بر سهام مذکور ، پس از رسیدگی و اثبات برسمیت شناخته خواهد شد . کلیه کارکنان بنگاههای سرمایه بوروکراتیک باید تا موقعیکه بنگاههای مذکور بتصرف دولت توده‌ای در نیامده‌اند ، بر سر کار خویش باقی بمانند و باید مسئولیت حفظ اموال ، ماشینها ، تابلوها و گرافیک‌ها ، دفاتر حسابداری ، بایگانی‌ها و غیره را بعهده گیرند و صبرکنند تا آنکه دولت به سیاهه این بنگاهها رسیدگی نماید و آنها را بتصرف خود درآورد .

هرکس که خدمت شایسته‌ای در این زمینه انجام دهد ، پاداش خواهد گرفت . افرادی که کارشکنی یا خرابکاری کنند ، کیفر خواهند یافت . به کسانی که مایلند پس از آنکه بنگاههای مذکور بتصرف دولت توده‌ای در آمد ، بکار خود ادامه دهند مشاغلی برحسب استعدادشان واگذار خواهد شد تا بیکار و بیخانمان نمانند .

۴ - حراست از کلیه مؤسسات عمومی و خصوصی مانند مدارس ، بیمارستان‌ها ، مؤسسات فرهنگی و آموزشی ، اماکن ورزشی و سایر مؤسسات عام‌المنفعه . امیدواریم که کلیه کارکنان این مؤسسات بر سر کار خویش باقی بمانند . ارتش آزادیبخش توده‌ای از آنها در برابر هرگونه آسیبی محافظت خواهد کرد .

۵ - جز جنایتکاران اصلاح‌ناپذیر جنگ و ضد انقلابیونی که به جنایات فجیع دست زده‌اند ، هیچیک از کارمندان گویندگان از بالا تا ذیل که در دولت‌های مرکزی ، استانی ، شهری و شهرستانی کار میکنند ، هیچیک از نمایندگان " مجلس ملی " ، هیچیک از اعضای شوراهای قانونگزاری و تفتیش ، هیچیک از اعضای شوراهای مشورتی ، هیچیک از کارمندان پلیس ، هیچیک از کارمندان دولتی بخش‌ها ، مراکز بخش‌ها ، و قصبه‌ها و هیچیک از مأمورین " بائو - جیا " تا وقتی که به مقاومت مسلحانه دست نزنند و در صدد خرابکاری برنیایند ، از طرف ارتش آزادیبخش توده‌ای و دولت توده‌ای اسیر نخواهند شد ، توقیف نخواهند گردید ، مورد اهانت قرار نخواهند گرفت . کلیه این اشخاص موظفند که تا زمانی که این ارگانها بتصرف دولت درنیآمده‌اند ، بر سرکار خود باقی بمانند ، تابع فرمانها و دستورات ارتش آزادیبخش توده‌ای و دولت توده‌ای باشند ، مسئولیت محافظت از کلیه اموال و بایگانی‌های ارگانهای خویش را

برعهده گیرند . از میان این اشخاص آنهایی که لیاقت و مهارت در کار دارند و عمل ارتجاعی جدی و یا بدکرداری فاحش دیگری مرتکب نشده‌اند ، از طرف دولت توده‌ای اجازه خواهند یافت مصدر شغلی گردند . کلیه کسانی که از فرصت استفاده کرده به خرابکاری ، دزدی و اختلاس پردازند و یا فرار اختیار کرده وجوه و اموال عمومی و بایگانی‌ها را همراه خود ببرند و یا اینکه از اعتراف کردن خودداری ورزند ، کیفر خواهند دید .

۶ - بمنظور استقرار امنیت در شهرها و دهات و بمنظور حفظ نظم عمومی ، کلیه سربازانی که پراکنده شده‌اند ، باید خود را به ارتش آزادیبخش توده‌ای و یا دولت توده‌ای محل خویش معرفی کرده و ثبت نام کنند . کسانی که چنین عمل کنند و تمام اسلحه خویش را تسلیم دارند ، مورد هیچگونه تعقیبی قرار نخواهند گرفت . آنهایی که از ثبت نام خودداری ورزند و یا اسلحه خویش را پنهان دارند ، توقیف و بازجویی خواهند شد . هر کس که سربازان پراکنده را مخفی سازد و بمقامات دولتی اطلاع ندهد ، بوجه شایسته تنبیه خواهد شد .

۷ - سیستم فئودالی مالکیت ارضی در نواحی روستائی غیر عادلانه است و باید ملغی گردد . اما برای الغای آن باید مقدماتی فراهم آید و مرحله بمرحله اقدام شود . بطور کلی باید از تقلیل بهره مالکانه و رفع شروع کرد و سپس به تقسیم اراضی پرداخت . فقط پس از آنکه ارتش آزادیبخش توده‌ای بمحلی رسیده و مدت نسبتاً مدیدی در آنجا بکار پرداخته باشد ، میتوان از حل جدی مسئله ارضی سخن راند . توده‌های دهقان باید متشکل شوند و ارتش آزادیبخش توده‌ای را در اجرای رفرم‌های بدوی مختلف یاری رسانند . توده‌های مذکور در عین حال باید مجدانه

بکار در مزرعه مشغول باشند تا آنکه سطح کنونی تولید کشاورزی پائین نیاید و سپس باید بتدریج آنرا بالا برند و باین طریق زندگی خویش را بهبود بخشند و غله کالائی اهالی شهرها را تأمین کنند. حل مسئله زمین و خانه در شهرها مانند حل مسئله ارضی در نواحی روستائی نیست.

۸ - حراست از جان و اموال اتباع خارجی. امیدواریم که همه اتباع خارجی باشتغالات عادی خود پردازند و نظم عمومی را مراعات کنند. آنها موظفند که طبق فرمانها و دستورهای ارتش آزادیبخش توده‌ای و دولت توده‌ای رفتار نمایند. آنها نباید به عملیات جاسوسی و یا بفعالیت علیه استقلال ملی چین و آزادی خلق پردازند و یا جنایتکاران جنگ، ضد انقلابیون و سایر جنایتکاران چینی را تحت حمایت خود قرار دهند، آنها هرگز تخلف کنند، از طرف ارتش آزادیبخش توده‌ای و دولت توده‌ای طبق قانون مجازات خواهند شد.

ارتش آزادیبخش توده‌ای از انضباطی اکید برخوردار است، این ارتش هرچه میخورد، بهایش را منصفانه میپردازد و مجاز نیست حتی يك سوزن و یا يك رشته نخ از اهالی بگیرد. امیدواریم عموم خلق با آرامش به زندگی و کار خود پردازند و به شایعات توجه نکنند و یا بهبوده دچار وحشت نشوند. اعلان حاضر باید اکیداً مراعات شود.

مائو تسه دون

صدر کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین

جو ده

فرمانده کل ارتش آزادیبخش توده‌ای چین

www.KetabFarsi.com

اظهاریه سخنگوی ستاد کل ارتش آزادبخش توده‌ای چین در باره اعمال متعدیانہ کشتی‌های جنگی انگلستان^(۱)

(۳۰ آوریل ۱۹۴۹)

ما اظهارات بیمنطق چرچیل جنگ افروز را محکوم میکنیم (۲) .
روز ۲۶ آوریل چرچیل در مجلس سبعوثان از دولت انگلستان خواست که
دو هواپیما بر بعنوان " نیروی مؤثر تلافی " به خاور دور اعزام دارد .
آقای چرچیل ، در چه مورد میخواهید " تلافی " کنید ؟ ناوگان جنگی
انگلستان که در کنار کشتی‌های جنگی گومیندان در حرکت بوده‌اند
بزور وارد منطقه دفاعی ارتش آزادبخش توده‌ای چین شده با تیراندازی
بروی این ارتش ، ۲۵۲ نفر از جنگجویان صدیق و دلیر ما را کشته

اظهاریه‌ای که بوسیله رفیق مائو سه دون بنام سخنگوی ستاد کل ارتش آزادبخش
توده‌ای چین تنظیم شده است . این اظهاریه موضع صحیح خلق چین را که از هیچ
تهدیدی مرعوب نمیشود و مصممانه در برابر تجاوز امپریالیستی بر میخیزد رسماً
بیان میدارد . وی همچنین سیاست خارجی چین نوین را که در حال ظهور بود
تعیین میکند .

و زخمی کرده‌اند. از آنجا که انگلیسی‌ها وارد خاک چین شده و به‌چنین عمل جنایتکارانه خطیری دست زده‌اند ارتش آزادیبخش توده‌ای چین کاملاً حق دارد از دولت انگلستان بخواهد که وی به خطای خویش معترف شود، پوزش بطلبد و تاوان بپردازد. آیا شما نبایستی بجای اینکه بمنظور "تلافی" از ارتش آزادیبخش توده‌ای چین به چین قشون بفرستید چنین کاری بکنید؟ اظهارات نخست وزیر اتلی نیز اشتباه‌آمیز است (۳). وی گفته است که دولت انگلستان حق دارد ناوگان جنگی به آبهای یان تسه بفرستد. یان تسه رودخانه‌ای چینی است. چه حقی ممکن است شما انگلستان در فرستادن ناوگان جنگی بانجا داشته باشید؟ چنین حقی ندارید. خلق چین از سرزمین و از حاکمیت چین دفاع خواهد کرد و بهیچ تعدی از جانب دولتهای خارجی تن نخواهد داد. اتلی همچنین گفته که ارتش آزادیبخش توده‌ای "حاضر بود به کشتی 'آمتیست' اجازه بدهد که راه خویش را در پیش گرفته به نانکن برود، فقط مشروط بر اینکه وی بارتش آزادیبخش توده‌ای در عبور از یان تسه کمک کند". اتلی دروغ میگوید. ارتش آزادیبخش توده‌ای هرگز به "آمتیست" اجازه نداد که به نانکن برود. ارتش آزادیبخش توده‌ای برای عبور از یان تسه و برای هیچ اقدام دیگر به نیروی مسلح هیچ کشور بیگانه تکیه نمی‌کند. برعکس، ارتش آزادیبخش توده‌ای خواستار است که نیروهای مسلح انگلستان، آمریکا و فرانسه - ناوگان جنگی، هواپیماهای نظامی، تفنگداران دریائی که در کنار رودخانه‌های یان تسه و حوان پو، و سایر نقاط چین مستقر شده‌اند - بیدرنگ از آبهای داخلی، از آبهای مرزی، از خاک و از فضای هوائی چین بروند، از یاری دشمنان خلق چین در ادامه جنگ داخلی

دست باز ندارند . کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین و دولت توده‌ای تا امروز با هیچ دولت خارجی روابط دیپلماتیک برقرار نکرده‌اند ، معذک می‌خواهند از اتباع خارجی که در چین به مشاغل قانونی سپردارند حمایت کنند و آماده‌اند که مسائل مربوط به برقراری روابط دیپلماتیک با کشورهای بیگانه را مورد بررسی قرار دهند . روابط مذکور باید بر اساس تساوی ، مزایای متقابل ، احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی استوار باشد . روابط مذکور قبل از هر چیز مقتضی آن است که این کشورهای بیگانه از یاری مرتجعان گومیندان دست باز دارند . کمیسیون نظامی انقلابی خلق چین و دولت توده‌ای بهیچ عمل ارعاب‌آمیز از طرف هیچ دولت بیگانه تن نخواهند داد . هر دولت خارجی که بخواهد با ما روابط دیپلماتیک برقرار کند قبلاً باید روابط خود را با بقایای رژیم گومیندان ببرد و نیروهای مسلح خود را از خاک چین فرا خواند . اتلی شکایت دارد که حزب کمونیست چین که با کشورهای بیگانه روابط دیپلماتیک برقرار نکرده است مایل به داشتن تماس با کارسندان قدیم دیپلماتیک دولتهای خارجی (کنسولهای مورد پذیرش گومیندان) نیست . چنین شکایتی بی‌پایه است . در طی سالهای اخیر دولت آمریکا ، انگلستان ، کانادا و سایر کشورها به گومیندان در پیکار بر ضد ما یاری داده‌اند . آیا آقای اتلی فراموش کرده است ؟ کدام است آن کشوری که کشتی زرهی سنگین " چون چینگ " (۴) را که اخیراً غرق شد به گومیندان داد ؟ آیا این را هم آقای اتلی فراموش کرده است ؟

یادداشتها

۱ - از ۲۰ تا ۲۱ آوریل ۱۹۴۹ ، در هنگامی که ارتش آزادیبخش توده‌ای برای گذار از یان تسه به نبرد مشغول بود ، چهار کشتی جنگی انگلستان ، و از آن جمله "آمتیست" ، وارد این رودخانه داخل چین شده بمعیت ناوگان جنگی گومیندان بروی ارتش ما تیراندازی کردند و موجب قتل و جرح ۲۵۲ نفر شدند . ارتش آزادیبخش توده‌ای باین تیراندازی پاسخ داد ، "آمتیست" که آسیب دید مجبور شد در نزدیک جن جیان لنگر بیندازد . سه کشتی دیگر انگلیسی موفق بفرار گردیدند . مقامات انگلیسی خواستار شدند که از عزیمت "آمتیست" جلوگیری بعمل نیاید و ناخدای کشتی ، بر حسب دستور بریند ، فرمانده کل جهازات انگلستان در خاور دور ، با نماینده ارتش ما وارد مذاکره شد . انگلیسی‌ها در طی این مذاکرات طفره میزدند و از اینکه به تجاوز جنایتکارانه خویش اعتراف کنند امتناع میورزیدند . در موقعی که مذاکرات در جریان بود ، در شب ۳۰ ژوئیه ، "آمتیست" از اینکه کشتی مسافربری "جیان لین آزاد" از رودخانه پائین می‌آمد و از جن جیان میگذشت استفاده کرده بزور در کنار وی قرار گرفت تا در پناه وی بگریزد . وقتی که ارتش ما به "آمتیست" فرمان توقف داد وی به تیراندازی پرداخت ، به چندین زورق تنه زده آنها را غرق کرد و از یان تسه گریخت .

۲ - روز ۲۶ آوریل ۱۹۴۹ چرچیل لیدر حزب محافظه کار در مجلس مبعوثان انگلستان عمل ارتش آزادیبخش توده‌ای را در مقابله با حمله ناوگان جنگی انگلستان مفتریانه "عمل متعدیانه" نامید و خواستار شد که دولت انگلستان بعنوان نیروی مؤثر تلافی ، دو و یا لاقل یک هواپیما بر آبهای چین بفرستد .

۳ - روز ۲۶ آوریل ۱۹۴۹ اتل نخست وزیر انگلستان در مجلس مبعوثان اظهار داشت که "کشتی‌های جنگی بریتانیا برای اجرای مأموریت مسالمت‌آمیز خویش حق گذار بر روی رودخانه یان تسه دارند . زیرا که این اجازه از طرف دولت گومیندان بآنها داده شده است" . در عین حال در موقع صحبت از مذاکرات میان نماینده انگلستان و نماینده ارتش آزادیبخش توده‌ای چین بدروغ متوسل شد و مدعی گردید که ارتش آزادیبخش توده‌ای "حاضر بود به کشتی 'آمتیست' اجازه بدهد که راه خویش را درپیش گرفته به نانکن برود ، فقط مشروط بر اینکه وی به ارتش آزادیبخش توده‌ای در عبور از یان تسه کمک کند" .

۴ - دولت انگلستان بود که در فوریه ۱۹۴۸ کشتی زرهی سنگین موسوم به "چون چینگ" را که بزرگترین کشتی زرهی نیروی دریائی گومیندان بود بوی هدیه کرد. در ۲۵ فوریه ۱۹۴۹ افسران و ملوانان این کشتی سر بشورش برداشتند، از دولت ارتجاعی گومیندان بریدند و به نیروی دریائی توده‌ای چین پیوستند. روز ۱۹ مارس همان سال امپریالیستهای آمریکائی و راهزنان گومیندان این کشتی را در نزدیک حوالودائو در خلیج لیائو دون در شمال شرقی چین بوسیله بمب‌افکنهای سنگین غرق کردند.

سخنرانی در جلسه کمیته تدارك کنفرانس سیاسی مشورتی جدید

(۱۵ ژوئن ۱۹۴۹)

آقایان نمایندگان !

امروز کمیته تدارك کنفرانس سیاسی مشورتی جدید ما (۱) گشایش مییابد . وظیفه این کمیته عبارتست از تمام کردن کلیه تداركات ضروری و دعوت سریع کنفرانس سیاسی مشورتی جدید که دولت ائتلافی دموکراتیک را تشکیل خواهد داد و دولت ائتلافی دموکراتیک قاطبه خلق را در کوشش برای برانداختن هر چه سریعتر بقایای نیروهای ارتجاعی گوبیندان ، برای وحدت بخشیدن به سراسر چین و پرداختن منظم و با نقشه به کار ساختمانی در مقیاس ملی در زمینه‌های سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و دفاع ملی رهنمون خواهد شد . اینست آنچه همه مردم از ما انتظار دارند ، و اینست آنچه ما باید انجام دهیم .

دعوت کنفرانس سیاسی مشورتی جدید در اول ماه مه ۱۹۴۸ از طرف حزب کمونیست چین به مردم سراسر کشور پیشنهاد شد (۲) . این پیشنهاد بزودی مورد موافقت احزاب دموکراتیک ، سازمانهای توده‌ای و شخصیت‌های دموکرات کلیه محافل و اقلیت‌های ملی و نیز

چینیان آنسوی دریاها قرار گرفت . حزب کمونیست چین ، احزاب دموکراتیک ، سازمانهای توده‌ای ، شخصیت‌های دموکرات کلیه محافل ، اقلیتهای ملی و چینیان آنسوی دریاها همگی بر آنند که باید سلطه امپریالیسم ، فئودالیسم ، سرمایه‌داری بوروکراتیک و مرتجعان گویندگان را برانداخت ، کنفرانسی سیاسی مشورتی از نمایندگان کلیه احزاب دموکراتیک ، کلیه سازمانهای توده‌ای ، شخصیت‌های دموکرات کلیه محافل ، اقلیتهای ملی و چینیان آنسوی دریاها دعوت کرد ، تأسیس جمهوری توده‌ای چین را اعلام داشت و دولت ائتلافی دموکراتیک که نماینده آن باشد انتخاب کرد . این یگانه چاره است که به سپهن بزرگ ما امکان میدهد از سرنوشت نیمه سستمرگی و نیمه فئودالی خویش رهائی یابد و براه استقلال ، آزادی ، صلح ، وحدت و قدرت و شکوفانی در آید . این مبنای سیاسی مشترک ماست . این مبنای سیاسی وحدت و مبارزه است که بین حزب کمونیست چین ، احزاب دموکراتیک ، سازمانهای توده‌ای ، شخصیت‌های دموکرات کلیه محافل ، اقلیتهای ملی و چینیان آنسوی دریاها مشترک است . این مبنای سیاسی وحدت و مبارزه است که بین همه خلق نیز مشترک است . این مبنای سیاسی بقدری استوار است که هیچ حزب دموکراتیک ، هیچ سازمان توده‌ای و هیچ دموکرات حقیقی کمترین اختلاف نظری درباره آن بیان نداشته و همه عقیده دارند که این یگانه راه درست است ، راهی که بحل کلیه مسائل چین میانجامد .

سردم سراسر کشور که از ارتش خویش ، ارتش آزادیبخش توده‌ای ، پشتیبانی میکردند در جنگ پیروز شدند . این جنگ بزرگ آزادیبخش توده‌ای که در ژوئیه ۱۹۴۶ آغاز شد هم‌اکنون سه سال

بطول انجامیده است . با کمک امپریالیسم خارجی بود که مرتجعان گومیندان این جنگ داخلی را برانگیختند . آنان قرارداد ستار که و قطعنامه‌های کنفرانس سیاسی شورتی ژانویه ۱۹۴۶ را عهدشکنانه از هم دریدند و این جنگ داخلی را بر ضد خلق بر پا کردند . ولی فقط در عرض سه سال از طرف ارتش آزادیبخش توده‌ای قهرمان مغلوب شدند . اخیراً ، پس از آنکه دسائس مرتجعان گومیندان که در زیر پرده صلح صورت میگرفت افشاء شد ارتش آزادیبخش توده‌ای بیباکانه پیش رفت و از رودخانه یان تسه گذشت . اکنون نانکن ، پایتخت مرتجعان گومیندان در دست ماست . شانگهای ، حان جو ، نان چان ، او هان و سی ان آزاد شده است . اینک ارتشهای صحرائی ما به پیشروی عظیمی بسوی استانهای جنوب و شمال غربی دست زده‌اند که در تاریخ چین بی‌سابقه است . ارتش آزادیبخش توده‌ای در عرض سه سال تلفاتی بالغ بر ۵,۵۹۰,۰۰۰ تن بر سپاهیان ارتجاعی گومیندان وارد آورد . اینک نیروهای باقیمانده گومیندان ، شامل بر سپاهیان منظم و غیرمنظم و همچنین دستگاه‌ها و مدارس نظامی پشت جبهه ، بیش از قریب ۱,۵۰۰,۰۰۰ تن نیست . هنوز باید چندی بگذرد که این خورده ریزهای قوای دشمن از میان برداشته شود ولی این کار طول نخواهد کشید .

این پیروزی قاطبه خلق چین است ، همچنین پیروزی همه خلقهای جهان است . این پیروزی بزرگ خلق چین شور و شوق خلقهای سراسر جهان را باستانای امپریالیستها و مرتجعان ممالک مختلف برانگیخته است . مبارزه خلق چین بر ضد دشمنانش و مبارزه خلقهای جهان بر ضد دشمنانشان دارای مضمون واحدی است . خلق چین و خلقهای سراسر

جهان این واقعیت را مشاهده کردند که مرتجعان چینی با سر امپریالیستها با خلق چین بمبارزه بیرحمانه دست زده‌اند و جنگی ضد انقلابی برانگیختند و خلق چین با برخاستن به جنگ انقلابی بر ارتجاع پیروز شد .

در اینجا لازم میدانم توجه را باین نکته معطوف دارم که امپریالیستها و چاکرانشان ، مرتجعان چینی با شکست خویش در این خاک چین نخواهند ساخت . آنها همچنان بهمدستی یکدیگر با کلیه وسایل ممکن بمخالفت با خلق چین مبادرت خواهند جست . مثلاً عوامل خود را خواهند فرستاد که در داخل چین نفوذ کنند تا در آنجا نفاق بیفشانند و آشفتگی بوجود آورند . این مسلم است ؛ آنها هرگز از این گونه اعمال دست نخواهند کشید . و یا اینکه امپریالیستها مرتجعان چینی را به محاصره بنادر چین بر خواهند انگیزت و حتی با نیروهای خویش به اینان کمک خواهند داد . آنها تا هر وقت که میتوانند باین کار خواهند پرداخت . بعلاوه آنها اگر هنوز تشنه ماجراجوئی‌اند سپاهیانی برای نفوذ در مناطق مرزی ما اعزام خواهند داشت . این نیز تا ممکن نیست . ما باید همه اینها را کاملاً بحساب بیاوریم . پیروزی بهیچوجه نباید موجب سستی هشیاری ما نسبت به دسائس جنون آمیز امپریالیستها و چاکران آنها گردد که در صدد انتقام جوئی‌اند . هر کس از هشیاری خویش بکاهد از لحاظ سیاسی خلع سلاح خواهد شد و در موضع غیر فعال خواهد افتاد . با در نظر گرفتن این شرایط ، قاطبه خلق باید متحد شود تا کلیه دسائسی را که امپریالیستها و چاکرانشان ، مرتجعان چینی ، بر علیه خلق چین میچینند مصممانه ، قاطعانه و تمام و کمال در هم بشکنند . چین باید مستقل باشد ، چین باید آزاد باشد ، امور چین باید بوسیله خود خلق چین اداره و حل شود و به هیچ مداخله‌ای ،

هر قدر ناچیز ، از طرف هر کشور امپریالیستی که باشد ، اجازه داده نخواهد شد .

انقلاب چین انقلاب توده‌های وسیع همه ملت است . همه کس دوست ماست مگر امپریالیستها ، فئودالها ، سرمایه‌داران بوروکراتیک ، مرتجعان گومیندان و همدستان آنها ؛ ما دارای جبهه متحد انقلابی پهناور و استواری هستیم . این جبهه متحد آنقدر پهناور است که طبقه کارگر ، طبقه دهقان ، خرده بورژوازی شهری و بورژوازی ملی را در بر میگیرد . این جبهه متحد آنقدر استوار است که برای غلبه بر هر دشمنی و فائق آمدن بر هر مشکلی اراده جازم و نیروی بی‌زوال دارد . دورانی که ما در آن بسر میبریم دورانی است که امپریالیسم بسوی اضمحلال کامل روان است . امپریالیستها در بحرانی افتاده‌اند که هرگز از آن بیرون نخواهند آمد ، و هر کوششی که بر علیه خلق چین بکار برند ، وی پیوسته وسیله‌ای برای نیل به پیروزی نهائی خواهد یافت .

در عین حال ما در برابر همه جهانیان اعلام سیداریم که آنچه ما با آن مبارزه میکنیم ، فقط سیستم امپریالیستی و دسائس امپریالیسم بر ضد خلق چین است . ما حاضریم با هر دولت خارجی بمنظور برقراری روابط دیپلوماتیک مبتنی بر اصول تساوی ، مزایای متقابل ، مراعات متقابل حاکمیت و تمامیت ارضی یکدیگر وارد مذاکرات شویم ، مشروط بر اینکه آن دولت حاضر باشد روابط خود را با مرتجعان چینی ببرد ، از شرکت در دسائس آنها و یا کمک بآنها دست باز دارد و نسبت به چین توده‌ای روشی دوستانه که حقیقی و نه دورویانه باشد در پیش گیرد . خلق چین حاضر است با خلقهای همه کشورها دوستانه همکاری کند ، بازرگانی خارجی را بسود بسط تولید و شکوفائی اقتصاد مستقر

سازد و توسعه دهد .

آقایان نمایندگان ! کلیه شرایط برای دعوت کنفرانس سیاسی مشورتی جدید و تشکیل دولت ائتلافی دموکراتیک فراهم است . خلق در سراسر کشور بیتابانه مشتاق آنست که ما این کنفرانس را دعوت کنیم و این دولت را تشکیل دهیم . من اطمینان دارم که کارهای ما که اینک آغاز میشود باین آرزو تحقق خواهد بخشید ، و بزودی تحقق خواهد بخشید .

همینکه دولت ائتلافی دموکراتیک چین تشکیل گردد وظایف مهم زیرین را در برابر خواهد داشت : ۱ - برانداختن بقایای مرتجعان و سرکوب دسائس آنها . ۲ - استفاده از تمام قدرت خود و بکار بردن تمام کوشش خود برای احیاء و توسعه اقتصاد خلق و نیز فرهنگ و آموزش توده‌ای .

خلق چین خواهد دید که چگونه ، همینکه سرنوشت کشور بدست خلق افتاد ، چین مانند آفتابی که از خاور بر میآید سرزمین‌های پهناور را بنور درخشان خود روشن خواهد ساخت ، گل و لائی را که از دولت ارتجاعی باقی مانده است بزودی خواهد سترد ، زخمهای جنگ را مرهم خواهد گذاشت و جمهوری توده‌ای نوین نیرومند و شکوفانی ، سزاوار نام خلق چین ، بنا خواهد کرد .

زنده باد جمهوری توده‌ای چین !

زنده باد دولت ائتلافی دموکراتیک !

زنده باد وحدت سترگ سراسر خلق !

یادداشتها

- ۱ - کمیته مذکور از ۱۵ تا ۱۹ ژوئن ۱۹۴۹ با شرکت ۱۳۴ عضو از ۲۳ حزب ، گروه و سازمان که از آن جمله نمایندگان حزب کمونیست چین ، احزاب دموکراتیک ، سازمانهای توده‌ای ، شخصیت‌های دموکرات کلیه محافل ، اقلیت‌های ملی و چینی‌های آنسوی دریاها بودند ، در بی‌پین تشکیل شد . کمیته مذکور در طی این اجلاس « آئین‌نامه سازمانی کمیته تدارك کنفرانس سیاسی مشورتی جدید » و « مقررات درباره احزاب ، گروه‌ها و سازمانهایی که در کنفرانس سیاسی مشورتی جدید شرکت میجویند و میزان نمایندگی هر یک از آنها » را بتصویب رسانید و یک کمیته دائمی بریاست صدر مائو تسه دون برگزید . باین کنفرانس نام کنفرانس سیاسی مشورتی جدید داده شد تا از کنفرانس سیاسی مشورتی که در ۱۰ ژانویه ۱۹۴۶ در چون چینگ گشایش یافت مشخص باشد . کنفرانس مذکور در نخستین جلسه کامل خود که در ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۹ تشکیل شد نام خویش را تغییر داده و خود را کنفرانس سیاسی مشورتی خلق چین نامید .
- ۲ - مراجعه شود به « بخشنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره جلسه سپتامبر » ، یادداشت ۴ ، جلد حاضر .

درباره دیکتاتوری دموکراتیک خلق

— بمناسبت بیست و هشتمین سالگرد

تأسیس حزب کمونیست چین

(۳۰ ژوئن ۱۹۴۹)

روز ۱ ژوئیه ۱۹۴۹ که فرا میرسد بیست و هشت سال از عمر حزب کمونیست چین میگذرد . حزب سیاسی نیز مانند موجود بشری ، دوران کودکی ، جوانی ، کهنلت و پیری دارد . حزب کمونیست چین دیگر نه يك كودك و نه يك جوان نارس بلکه سالمند است . وقتی که انسان به پیری میرسد رو به پایان عمر میرود . در مورد حزب سیاسی نیز همینطور است . وقتی که طبقات از میان برخیزند ، آنگاه کلیه افزارهای مبارزه طبقاتی ، احزاب سیاسی و ماشین دولت که دیگر نقشی و ضرورتی ندارند بتدریج زوال خواهند یافت ، برسالت تاریخی خود پایان خواهند داد و جامعه بشری به مرحله بالاتری گام خواهد نهاد . ما در نقطه مقابل احزاب سیاسی بورژوازی قرار داریم . آنها سترسند از اینکه از محو شدن طبقات و قدرت دولتی و احزاب سیاسی سخن بگویند . ولی ما بر عکس ، باز و آشکارا اعلام میکنیم که مبارزه

مجددانه ما همانا بمنظور فراهم آوردن شرایطی است که به نحو شدن همه اینها بینجامد. اعمال رهبری از طرف حزب کمونیست و وجود قدرت دولتی دیکتاتوری خلق، تشکیل دهنده چنین شرایطی است. کسی که این حقیقت را نپذیرد کمونیست نیست. شاید رفقای جوانی که بدون مطالعه مارکسیسم - لنینیسم بتازگی به حزب ما پیوسته‌اند هنوز این حقیقت را در نیابند. آنها برای اینکه جهان بینی صحیحی داشته باشند باید آنرا در یابند. آنها باید بفهمند که راه نحو طبقات، نحو قدرت دولتی و نحو احزاب سیاسی راهی است که تمام بشریت در پیش خواهد گرفت؛ مسئله فقط بر سر زمان و شرایط است. کمونیستهای سراسر جهان بر بورژوازی برتری دارند زیرا که قوانین هستی و تکامل اشیاء و پدیده‌ها را می‌شناسند، دیالکتیک میدانند و دورتر را می‌بینند. اگر بورژوازی این حقیقت را نمی‌پذیرد از آن جهت است که نمی‌خواهد سرنگون شود. تصور سرنگون شدن، آنطور که دارودسته ارتجاعی گومیندوان به دست ما سرنگون شد و یا آنطور که امپریالیسم ژاپن به دست ما و خلق‌های سایر ممالک سرنگون شد برای آنهاست که باید سرنگون شوند دردناک و وحشتناک است. اما در برابر طبقه کارگر، خلق زحمتکش و حزب کمونیست مسئله سرنگون شدن مطرح نیست؛ آنها باید بردبارانه در تلاش ایجاد شرایطی باشند که طبقات، قدرت دولتی و احزاب سیاسی بطور طبیعی از میان بروند و بشریت به دنیای صلح و صفا (۱) گام گذارد. این دورنماهای بعید پیشرفت بشری از آن جهت در اینجا یاد شد تا مسائلی که بعداً مورد بحث قرار خواهد گرفت روشن گردد. آری، بیست و هشت سال از عمر حزب ما میگذرد. همانطور که همه میدانند حزب ما این سالها را نه در صلح بلکه در میان حوادث

رنجبار بسر برده است ؛ ما میبایست با دشمنان داخلی و خارجی و با دشمنانی در درون و برون حزب برزیم . ما از ماركس ، انگلس ، لنین و استالین سپاسگزاریم که به ما اسلحه‌ای داده‌اند . اما این اسلحه مسلسل نیست بلکه ماركسیسم - لنینیسم است .

لنین در اثر خویش بنام « مرض بچگانه ” چپ روی “ در کمونیسم » که در ۱۹۲۰ نوشته شده است حکایت میکند که چگونه روس‌ها در جستجوی تئوری انقلابی بودند (۲) . آنها فقط پس از ده‌ها سال رنج و محنت ماركسیسم را یافتند . بین چین و روسیه پیش از انقلاب اکتبر خیلی چیزهای یکسان و یا شبیه وجود داشت ؛ همان ستم فئودالی و تقریباً همان عقب‌ماندگی اقتصادی و فرهنگی در هر دو جا دیده میشد . هر دو کشور عقب‌مانده بودند ، چین باز هم بیشتر . وجه مشترك دیگر آنها عبارت از این بود که مردان ترقیخواهی که آرزوی احیاء کشور خویش را در دل داشتند در جستجوی حقیقت انقلابی از هیچ مبارزه‌ای ، حتی سخت‌ترین مبارزه‌ها باز نایستادند .

پس از شکست چین در جنگ تریاک در ۱۸۴۰ ترقیخواهان چین که حقیقت را در کشورهای غربی می‌جستند مصائب بی‌پایانی را از سر گذراندند . خون سیو چیوان ، کان یووی (۳) ، یین فو (۴) و سون یاتسن نماینده کسانی هستند که پیش از پیدایش حزب کمونیست چین در جستجوی حقیقت به غرب روی آورده بودند . در آن دوره چینی‌های تشنه ترقی هر کتابی را همینقدر که حاوی افکار جدید غرب بود می‌خواندند . تعداد دانشجویانی که به ژاپن ، انگلستان ، آمریکا ، فرانسه و آلمان اعزام میشدند شگفت‌انگیز بود . در خود کشور سیستم امتحانات اسرطوری برافتاد و مدارس جدید (۵) مانند جوانه‌های خیزران که پس از باران

بهاری میروید بظهور رسید؛ تلاش بسیار میشد که از غرب بیاموزند. من هم در جوانی باین تحصیلات پرداختهام. این تحصیلات عبارت بود از فرهنگ دموکراسی بورژوائی غربی که "علوم جدید" مینامیدند شامل بر مکاتب اجتماعی و علوم طبیعی آن دوران، در برابر فرهنگ فتودالی چین که "علوم قدیم" خوانده میشد. کسانی که این علوم جدید را آموختند تا مدت‌ها همچنان معتقد بودند که میتوان با آنها چین را نجات داد. غیر از پیروان مکتب قدیم، کمتر کسی از هواداران مکتب جدید در این امر شك داشت. یگانه راه نجات چین در نو ساختن آن بود و برای نو ساختن میبایست از کشورهای خارجی آموخت. و در میان کشورهای خارجی آن دوران فقط ممالک سرمایه‌داری غرب مظهر ترقی بودند؛ آنها توانسته بودند دولت‌های بورژوائی مدرن بسازند. ژاپنی‌ها نتایج خوبی از آموزش غرب بدست آورده بودند و چینی‌ها آرزو داشتند که از ژاپنی‌ها نیز بیاموزند. در نظر چینی‌های آن دوران، روسیه کشوری عقب‌مانده بود و کسانی که به آموزش از وی تمایل نشان میدادند نادر بودند. چنین بود چینی‌ها پس از سال‌های ۱۹۰۰، قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم چگونه از کشورهای خارجی آموختند. تجاوزکاری اسپریالیستها آن خواب شیرین چینی‌ها را که در تلاش آموزش از غرب بودند بر باد داد. مطلب شگفت انگیز این بود که چرا استادان پیوسته به تجاوز بر شاگردان خویش دست میزدند. چینی‌ها خیلی چیزها از غرب آموخته بودند ولی هیچکدام بکاربستی نبود و آرمان‌های آنان باز هم تحقق نمی‌پذیرفت. مبارزات مکرر آنان و از آن جمله انقلاب ۱۹۱۱ که نهضتی در مقیاس تمام کشور بود همگی با شکست روبرو شد. وضع کشور هر روز بدتر میشد، زندگی غیر ممکن گردید.

پس تردیدهایی بوجود آمد ، پرورش و گسترش یافت . جنگ جهانی اول سراسر کره زمین را لرزانید ، روس‌ها به انقلاب اکتبر دست زدند و نخستین دولت سوسیالیستی جهان را بنیاد نهادند . نیروی انقلابی پرولتاریای کبیر و خلق زحمتکش کبیر روسیه ، آن نیروئی که تا آن زمان در حالت کمون و از انظار خارجیان پوشیده مانده بود تحت رهبری لنین و استالین بناگاه مانند آتشفشان بیرون زد و چینی‌ها و تمام جهانیان با چشم دیگری به روس‌ها نگریستند . آنگاه ، و فقط آنگاه ، دوران کاملاً نوینی در تفکر و در زندگی چینی‌ها پدید آمد . چینی‌ها مارکسیسم - لنینیسم ، این حقیقت عام و جهانشمول را کشف کردند و سیمای چین رو به دگرگونی نهاد .

با واسطه روس‌ها بود که چینی‌ها مارکسیسم را کشف کردند . پیش از انقلاب اکتبر نه فقط لنین و استالین بلکه مارکس و انگلس هم در نزد چینی‌ها ناشناخته بودند . شلیک توپهای انقلاب اکتبر برای ما مارکسیسم - لنینیسم آورد . انقلاب اکتبر به ترقیخواهان چین و سراسر جهان یاری داد که جهانی بینی پرولتری را بمشابه وسیله‌ای برای بررسی سرنوشت هر کشور بپذیرند و بر آن اساس در مسائل خاص خویش تجدید نظر کنند . باید براه روس‌ها رفت - چنین بود نتیجه‌گیری آنها . چین در ۱۹۱۹ جنبش ۴ مه را از سر گذرانید . در ۱۹۲۱ حزب کمونیست چین قدم به هستی گذاشت . سون یاتسن که بکلی دستخوش نویدی بود خود را با انقلاب اکتبر و حزب کمونیست چین روبرو دید . وی به انقلاب اکتبر تهنیت گفت ، از کمک روس‌ها به چینی‌ها استقبال کرد و همکاری حزب کمونیست چین را پذیره شد . سپس سون یاتسن در گذشت و چانگ‌ایشک بقدرت رسید . وی پس از بیست و دو سال متمادی چین را در وضعی انداخت که مفری نداشت . در طی دوران مذکور ، در دومین جنگ

جهانی ضد فاشیست که اتحاد شوروی نیروی عمده آن بود سه قدرت بزرگ امپریالیستی از پای در آمدند ، دو قدرت بزرگ امپریالیستی ناتوان شدند و فقط یکی دست نخورده ماند که ایالات متحده آمریکا است . ولی آمریکا گرفتار بحران داخلی بسیار عمیقی بود . وی میخواست تمام جهان را با نقیاد درآورد و به چانکایشک اسلحه مبرساند تا میلیون ها مردم چین را کشتار کند . خلق چین تحت رهبری حزب کمونیست چین پس از طرد امپریالیسم ژاپن مدت سه سال به جنگ آزادیبخش توده‌ای دست زد و علی‌الاصول به پیروزی نائل آمد .

باین طریق تمدن بورژوائی غرب و همچنین دموکراسی بورژوائی و طرح جمهوری بورژوائی همگی در نظر خلق چین ورشکسته گردید . دموکراسی بورژوائی جای خود را به دموکراسی توده‌ای تحت رهبری طبقه کارگر داد ، و جمهوری بورژوائی جای خود را به جمهوری توده‌ای . و از این جا اسکان زیرین حاصل شد : گذار از جمهوری توده‌ای بمنظور وصول به سوسیالیسم و کمونیسم ، بمنظور امحاء طبقات و نیل به دنیای صلح و صفا . کان پووی « کتاب صلح و صفا » را نوشت ولی راهی را که به صلح و صفا بیانجامد نیافت ، و بر او ممکن نبود که بیابد . آن جمهوری بورژوائی که در خارجه وجود دارد نمیتواند در چین وجود داشته باشد ، زیرا که چین منکوب امپریالیسم است . یگانه راه چین آنست که از جمهوری توده‌ای تحت رهبری طبقه کارگر بگذرد .

کلیه راههای دیگر آزمایش شد و به شکست انجامید . از کسانی که دلبسته این راهها بودند برخی بهلاکت رسیدند ، برخی به خطای خویش واقف شدند و برخی دیگر مشغول تغییر نظراند . تحول حوادث بقدری سریع است که خیلی ها غافلگیر شده‌اند و خود را نیازمند میبینند که